

فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه
سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۲، صص ۷۷-۱۰۴

فعل سبک در افعال مرکب فارسی^۱

مهرزاد منصوری^۲

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه شیراز

چکیده

فعل سبک فارسی یکی از مقولاتی است که پژوهش‌های قابل توجهی را در مباحثی چون فعل سببی، انضمام، فعل مرکب، ساختار موضوعی و ساخت مجهول به خود اختصاص داده‌است. در عموم بررسی‌هایی که در خصوص فعل سبک در افعال مرکب صورت گرفته‌است افزایش و کاهش ظرفیت فعل و ساختار موضوعی آن بیشتر مد نظر قرار گرفته‌است. یکی از جنبه‌های قابل بررسی در فعل سبک میزان واژگانی بودن این فعل در ترکیبات متفاوت است. این پژوهش می‌کوشد تا نحوه سبک شدن فعل سبک را در افعال مرکب مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش فعل سبک از دو منظر هم‌نشینی با اجزاء غیرفعلی و جانشینی با صورت‌های متفاوت آن مورد بررسی قرار گرفته‌است. این پژوهش نشان می‌دهد که افعال سبک فارسی نه تنها در مقایسه با هم به لحاظ واژگانی و سبک بودن بر روی یک پیوستار قرار می‌گیرند، به لحاظ هم‌نشینی با اجزاء غیرفعلی متفاوت نیز به صورت‌های متفاوت سبک شده‌اند. در این پژوهش طرحی موسوم به طرح بادبادکی ارائه شد که میزان سبک شدن فعل سبک فارسی را در دو محور افقی (هم‌نشینی) و عمودی (جانشینی عنصر غیرفعلی)، به تصویر می‌کشد.

کلیدواژه‌ها: فعل سبک، فعل مرکب، گزاره‌های مرکب، ساخت موضوعی، انضمام.

۱- مقدمه

فعل مرکب فارسی به جهات متفاوتی مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان قرار گرفته است که از این جمله می‌توان به دبیرمقدم (۱۳۷۶)، کریمی (۱۹۹۴)، محمد و کریمی (۱۹۹۲)، واحدی لنگرودی (۱۹۹۶ و ۱۳۷۹)، حجّت‌ا... طالقانی (۱۳۷۹) کریمی‌دوستان (۱۹۹۷ و ۲۰۰۵)، ارکان (۱۳۸۵)، مگردومیان^۳ (۲۰۰۰ و ۲۰۰۱)، منصوری (۱۳۸۶) و (۱۳۸۴) و پنجوا^۴ (۲۰۰۸) اشاره کرد. فعل مرکب در سال‌های اخیر کانون بسیاری از مباحث چالش برانگیز در حوزه‌های نحو، واژشناسی و حتی معناشناسی و یا مباحث بین حوزه‌ای بوده است. برخی از زبان‌شناسان با توجه به پدیده انضمام اسمی، برخی نیز با توجه به اعطای حالت و همچنین تغییر ظرفیت و برخی نیز از منظر نحوه و میزان سبک شدن عنصر فعلی به تحلیل فعل مرکب پرداخته‌اند.

فعل مرکب به لحاظ ساختار از دو جزء فعلی و غیر فعلی تشکیل شده است که جزء فعلی به سبب حضور عنصر دیگری نظیر اسم، قید و صفت به لحاظ معنایی متفاوت از افعال ساده می‌باشد. به عبارتی در افعال مرکب بخشی از معنایی که افعال واژگانی ساده به عهده می‌گیرند به جزء غیر فعلی واگذار شده است و از این جهت جزء فعلی به گونه‌ای به لحاظ معنایی سبک شده است. سبک شدن فعل در افعال مرکب با توجه به هم‌نشینی با عناصر و واژگان متفاوت، به نسبت متفاوت به لحاظ معنایی سبک شده است. بررسی میزان و نسبت سبک شدن این افعال، موضوعی است که این پژوهش به آن پرداخته است. این پژوهش می‌کوشد تا با بررسی این افعال میزان سبک شدن هر فعل را با توجه به عنصر غیر فعلی هم‌نشین آن و همچنین نوع جزء فعلی مورد بررسی قرار دهد.

۲- پیشینه تحقیق

فرانسیس^۵ (۲۰۰۳) منشاء بحث‌های مربوط به فعل سبک در زبان‌شناسی زایشی را به

3. K. Megredoomian

4. M. Pantcheva

5. E. Francis

گریمشاو^۶ و ماستر^۷ (۱۹۸۸) در زبان ژاپنی منتسب می‌کند که در آن به سبک شدن فعل سبک ژاپنی که به معنای «کردن» و «انجام دادن» می‌باشد پرداخته‌اند. به موازات چنین برداشتی از فعل سبک برداشت دیگری از فعل سبک به دستور زایشی وارد شده است که از آن به فعل سبک چامسکیایی یاد می‌شود. سابقه این بحث به لارسن^۸ (۱۹۸۸) برمی‌گردد. چامسکی^۹ (۱۹۹۵ و ۱۹۹۸)، هیل^{۱۰} و کیسر^{۱۱} (۱۹۹۳) و ردفورد^{۱۲} (۱۹۹۷)؛ ۲۰۰۴؛ ۲۰۰۵؛ و ۲۰۰۶) به بسط و گسترش آن همت گمارده‌اند. درخصوص تحلیل این فعل در زبان فارسی ابتدا نگارنده (منصوری، ۱۳۸۴ الف و ب) و سپس آهنگر (۱۳۸۷) آن را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند.

سبک شدن فعل به لحاظ معنایی از جمله مواردی است که توجه خاص زبان‌شناسان را به خود جلب نموده است. رفتار این فعل به گونه‌ای است که نه به فعل کمکی شباهت دارد و نه به فعل واژگانی. سبک شدن فعل سبک از پدیده‌ای چون دستوری‌شدگی نیز متمایز است. در دستوری‌شدگی با سبک شدن معنا بر نقش دستوری افزوده می‌شود ولی در فعل سبک، در عین سبک شدن به لحاظ معنایی، هیچ‌گونه تغییری در نقش دستوری ایجاد نمی‌شود (بوت^{۱۳} و گودر^{۱۴}، ۲۰۰۴: ۳۵). این وضعیت با افزایش و کاهش معنایی در معناشناسی نیز متفاوت است. به این دلیل که در افزایش و کاهش معنایی هیچ‌کدام از دو سازه‌ای که افزایش و کاهش معنایی پیدا می‌کنند واحد نقشی نمی‌باشند. علاوه بر این در افزایش و کاهش معنایی نیز عنصری که کاهش معنایی می‌یابد حذف می‌گردد، درحالی‌که در فعل سبک، فعل به‌نسبتی از معنا تهی می‌شود و عموماً از گفتار حذف نمی‌گردد.

-
6. J. Grimshaw
 7. A. Mester
 8. R. Larson
 9. N. Chomsky
 10. K. Hale
 11. J. Keyser
 12. A. Radford
 13. M. Butt
 14. W. Geuder

اگرچه بحث فعل سبک با این عنوان، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است ولی اغلب در پژوهش‌هایی که در خصوص فعل مرکب صورت گرفته است به آن اشاره شده است. از آنجا که این پژوهش درصدد تعیین وضعیت فعل سبک در زبان فارسی به عنوان جزء فعلی افعال مرکب می‌باشد در این قسمت صرفاً به مباحثی پرداخته می‌شود که به گونه‌ای به فعل سبک فارسی مربوط شود.

در اغلب بحث‌هایی که در خصوص فعل مرکب فارسی مطرح شده است به وجود جزء فعلی و تفاوت آن با فعل‌های ساده اشاره شده است. همایون‌فرخ (۱۳۳۹: ۶۹) از جزء فعلی در افعال مرکب به عنوان افعال معین فرعی نامبرده است. وی این افعال را این‌گونه تعریف می‌کند که این افعال در صرف زمان‌ها، طریقه‌ها و وجه‌ها تأثیر ندارد بلکه بیرون از معنی اصلی خود با کلمات دیگری همراه شده، افعال جدید یا مجهول می‌سازند. وی «خوردن» را در افعالی چون «فریب خوردن»، «چوب خوردن» و «غبطه خوردن» مثال آورده است.

شریعت (۱۳۷۹: ۲۰) به منظور تمایز افعال مرکب از ساده آزمون «را» را پیشنهاد می‌کند. به این صورت که بین دو جزء «را» قرار می‌دهیم اگر جمله‌ای درست ساخته شد، فعل مصدر ساده است مانند «ماشین را راند» و اگر ساخت غیر دستوری به دست آمد مانند «زمین را خورد» فعل مرکب است. خیاپور (۱۳۸۴: ۶۹) عنصر فعلی در فعل مرکب را در حکم پسوند برای ساختن فعل می‌داند. برخی نیز جزء دوم در فعل مرکب را همکرد، فعل معین فرعی، فعل کمکی، عناصر فعلی، کنش‌ساز، اسناد و فعل سبک نامیده‌اند (میرعمادی و واعظی، ۱۳۸۶). اگرچه به ظاهر اسامی متفاوت تا زمانی که به یک مفهوم دلالت دارد تفاوت معنایی را موجب نمی‌شود، ولی واقعیت این است که اسامی متفاوت حاکی از نگاه‌های متفاوت به موضوع است. کسی که عنصر فعلی را در فعل مرکب فعل سبک می‌داند بر این واقعیت اصرار دارد که عنصر فعلی از معنا تهی شده است و به عکس، کسی که آن را فعل کمکی می‌شمرد آن را از زوایه فعل کمکی می‌نگرد.

زبان‌شناسان جدید و دستورنویسان سنتی متوجه تهي شدن جزء فعلی در فعل مرکب از معنی شده‌اند و هر کدام به گونه‌ای که در زیر به آن‌ها خواهیم پرداخت به این موضوع اشاره داشته‌اند.

مشکوٰۃ‌الدینی (۱۳۸۴: ۸۸) ضمن تقسیم اجزاء فعل مرکب به دو بخش پایه و عنصر فعلی ادعا کرده‌است که عنصر فعلی در فعل مرکب همان صورت پایه فعل است که از معنی اصلی یا مادی خود خالی شده‌است و تنها به معنی دستوری به انجام رسیدن عمل، یا به انجام رساندن عمل یا پدید آمدن، یا وجود داشتن حالت اشاره می‌کند. وی جزء غیر فعلی را اسم / گروه اسمی، صفت و گروه حرف اضافه‌ای معرفی کرده‌است.

ارژنگ (۱۳۸۱: ۱۵۶) اذعان می‌دارد که در فعل مرکب مفهوم اصلی در جزء اسمی آن است و فعل هم‌کرد، کم‌بیش معنی و مفهوم خود را از دست می‌دهد و بیشتر برای رساندن مفهوم شخص و بیان شمار به کار می‌رود.

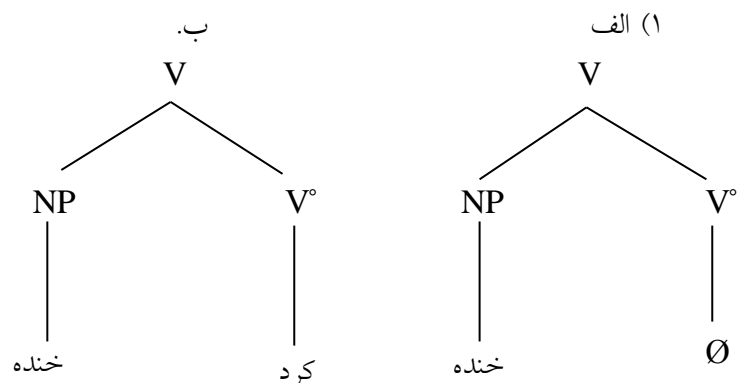
محمد و کریمی (۱۹۹۲) عنصر فعلی در افعال مرکب را سبک می‌دانند. آن‌ها معتقدند که افعال مرکب از معنا تهي شده‌اند و اسم (عنصر پایه) بار معنایی را به دوش می‌کشد. ظاهراً اصطلاح فعل سبک برای عنصر فعلی در فعل مرکب را نخستین بار محمد و کریمی (۱۹۹۲) به کار برده‌اند.

دبیرمقدم (۱۳۷۶) در تحلیلی که از فعل مرکب ارائه داده‌است به گونه‌ای متفاوت به سبک شدن فعل اشاره کرده‌است. وی با تقسیم افعال مرکب به دو گروه مرکب انضمامی و ترکیبی، به وضوح نشان داده‌است که در افعال مرکب ترکیبی بیش از افعال مرکب انضمامی عنصر فعلی سبک می‌گردد.

کم شدن بار معنایی در جزء فعلی در برخی از افعال بیشتر توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده‌است. از جمله این افعال فعل «کردن» است. احمدی گیوی و انوری (۱۳۸۸: ۲۶) ادعا کرده‌اند که «کردن» فقط جنبه صرفی به کلمه قبل (اسم و صفت) می‌دهد.

واحدی لنگرودی (۱۳۷۹) فعل را از دیدگاه معنای واژگانی به دو دسته سبک و سنگین تقسیم می‌کند. وی تمایز فعل سبک را از سنگین در این ذکر می‌کند که فعل

سبک صرفاً دارای معنای منطقی جهانی یعنی کنش، حالت، سبب و... می‌باشد و معنای خالص واژگانی تماتیک ندارد (دارای نقش معنایی نظیر کنش‌گر، کنش‌پذیر نمی‌باشد). وی علاوه بر این، به مفهوم دیگری به نام فعل انتزاعی یا سبک صفر اشاره می‌کند که تظاهر صوری و آوایی ندارد. وی تمایز فعل سبک در فعلی چون «خنده کردن» و فعل سبک صفر را در «خندیدن» به صورت زیر نشان می‌دهد:



(واحدی لنگرودی، ۱۳۷۹: ۳۸)

میرعمادی و واعظی (۱۳۸۶) در قالب برنامه کمینه‌گرا و براساس نوع رابطه نشان‌داری به تحلیل فعل مرکب پرداخته‌اند. در این پژوهش این طور استدلال شده است که در افعال مرکبی که دارای دو پایه واژگانی می‌باشند عضوی که نشان‌دار می‌باشد به هسته نزدیک‌تر است.

عمده‌ترین پژوهش‌هایی که در خصوص فعل سبک فارسی صورت گرفته است، مجموعه پژوهش‌های کریمی‌دوستان (۱۹۹۷؛ ۲۰۰۳؛ و ۲۰۰۵) می‌باشد. کریمی (۱۹۷۷) فعل سبک را چیزی بین فعل کمکی و واژگانی می‌داند و از نظر معنایی آن را صورت رنگ‌باخته فعل‌های واژگانی معرفی می‌کند. وی همچنین خاطر نشان می‌سازد که هر فعل سبک دارای فعل سنگین متناظر نیز است. کریمی‌دوستان افعال سبک فارسی را به لحاظ وجه به دو وجه حالتی و پویا تقسیم می‌کند. ایشان فعل «داشتن» را حالتی و

بقیه را پویا می‌شناسد. وی افعال پویا را به سه دسته انتقالی، ابتدایی، انتقالی / ابتدایی تقسیم می‌کند.

یکی از نکات جالب توجه دیگری که کریمی‌دوستان (۱۹۹۷) به آن اشاره کرده است، این است که فعل سبک به لحاظ ساخت موضوعی بر خلاف فعل واژگانی دارای ساخت موضوعی ثابت نمی‌باشد. وی با استناد به مثال (۲) این واقعیت را نشان داده است.

(۲) الف - علی کتاب را به ساسان داد (متعدی دو مفعولی).

ب - علی استعفا داد (لازم).

ج - علی ساسان را نجات داد (متعدی تک مفعولی).

(کریمی‌دوستان، ۱۹۹۷: ۹۶)

کریمی‌دوستان به منظور اینکه نشان دهد فعل سبک فارسی کاملاً سبک نشده و حداقل بخشی از معنا را با خود حمل می‌کند به تغییر فعل سبک (در عین ثابت بودن پایه) در مثال (۳- الف و ب) استناد نموده است.

(۳) الف - این اتاق را به علی اختصاص دادند.

ب - این اتاق به علی اختصاص دارد.

(کریمی‌دوستان، ۱۹۹۷: ۱۰۹)

همچنین وی برای نشان دادن این واقعیت که فعل سبک صرفاً نقش حمل مشخصه‌های زمان، شخص و شمار را بر عهده ندارد به مثال (۴) استناد کرده است. در این مثال با وجود فعل کمکی خواستن که مشخصه‌های فوق را بر خود حمل می‌کند نیاز به فعل سبک مرتفع نشده است.

(۴) الف - برادرهای من تو را دعوت خواهند کرد.

ب - * برادرهای من تو را دعوت خواهند ---

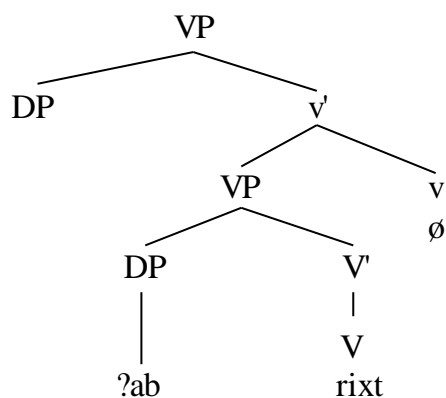
(کریمی‌دوستان، ۱۹۹۷: ۵۷)

وی همچنین با استناد به تفاوت فعل سبک «کردن» و «شدن» در اعطای نقش تتای کنش‌گر و کنش‌پذیر نشان داده‌است که فعل سبک در تعیین نقش تتا مؤثر است. به‌لحاظ ساختار افعال سبک در گروه فعلی، نگارنده (۱۳۸۴) تحلیلی پوسته‌ای از آن ارائه داده‌است. براساس این تحلیل فعل سبک در جایگاه هسته گروه فعلی بیرونی (سبک) قرار گرفته‌است. براساس این تحلیل تفاوت فعل (۵) الف و (۵) ب را می‌توان به‌صورت (۶) الف و ب) نشان داد.

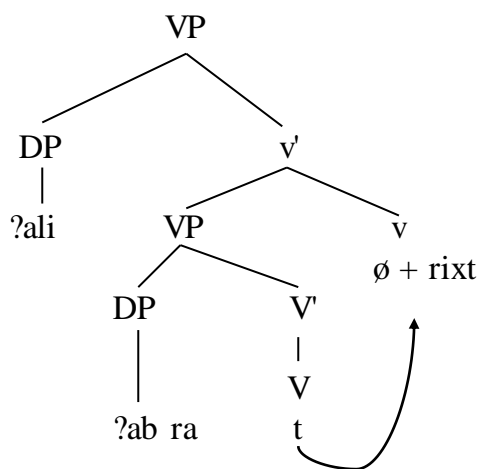
(۵) الف - آب ریخت.

ب - علی آب را ریخت.

(۶) الف



ب



یکی از پژوهش‌هایی که اخیراً صورت گرفته است، تحقیق فامیلی^{۱۵} (۲۰۰۶) می‌باشد. این پژوهش در قالب زبان‌شناسی شناختی و در چهارچوب نظریه دستور سازه‌ای (شاخه‌ای) صورت گرفته است. براساس این تحلیل هر فعل سبک فارسی به چند مفهوم کلی مربوط می‌گردد. این مفاهیم کلی نیز خود به چند مفهوم دیگر مربوط می‌شود که خود به همین صورت می‌تواند تکرار شود. به‌عنوان مثال فعل «زدن» به چند مفهوم دزدی کردن، تأثیر گذاشتن، سریع عمل کردن و... مربوط می‌شود. «زدن» به مفهوم «دزدی» خود به مفاهیم «زدن بانگ»، «زدن جیب» و «زدن گنج» مربوط می‌شود.

یکی دیگر از پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر در خصوص فعل مرکب فارسی صورت گرفته است پژوهش پنچوا (۲۰۰۸) در قالب طرح تجزیه گروه فعلی می‌باشد و نحو اولین فاز^{۱۶} طرح شده است. براساس این طرح گروه فعلی از سه گروه بیشینه گروه آغازگر^{۱۷}، گروه بیشینه فرآیند^{۱۸} و گروه بیشینه نتیجه^{۱۹} تشکیل شده است. گروه اول تولید رویداد سبب و گروه دوم تولید رویداد تغییر را برعهده دارد و رویداد سوم نتیجه تغییر را نشان می‌دهد. وی در این قالب جمله (۷) را به صورت (۸) تجزیه نموده است.

(۷) مینا نفس زد.

(۸) الف - مینا زدن آغاز کرد (آغازگر).

ب - مینا متحمل فرآیند زدن گردید (متحمل).

ج - مینا زدن نفس را نتیجه شد (نتیجه‌گر).

(پنچوا، ۲۰۰۸)

وی افعال سبک فارسی را براساس مشخصه آغازگری به دو دسته با‌آغازگر مانند زدن، کردن، آوردن، دادن، انداختن و بدون‌آغازگر مانند خوردن، شدن، آمدن، دیدن و افتادن تقسیم نموده است.

15. N. Family
12. first phase syntax
17. initp
18. prosP
19. resP

وی فعل‌های سبک فارسی را به جهت نمود به لحظه‌ای^{۲۰} مانند زدن، تداومی^{۲۱} مانند کشیدن و کنشی^{۲۲} مانند کردن تقسیم نموده است.

مگردومیان (۲۰۰۱) به تمایزی دو نوع فعل سبک «زدن» در «سنگ زدن» و «تلفن زدن» به لحاظ گرفتن مفعول مستقیم قائل شده است. براساس تحلیل وی می‌توانیم بگوییم «مینا یک سنگ را به دیوار زد» ولی نمی‌توانیم بگوییم «یک تلفن به احمد زد».

نگارنده (۱۳۸۶) فعل سبک فارسی را در قالب انضمام مورد بررسی قرار داده است. برپایه این تحلیل انضمام آغاز سبک شدن عنصر فعلی و یا کمرنگ شدن معنا در آن می‌باشد. براساس این تحلیل هرچه فعل به حالت ترکیبی نزدیک‌تر باشد، سبک‌تر خواهد بود. نگارنده (۱۳۸۴) در تحلیل دیگری سبک شدن عنصر فعلی روی یک پیوستار می‌داند. شقاقی (۱۳۸۶) نیز عملاً تحلیل نگارنده را پذیرفته و در قالب انضمام، سبک شدن عنصر فعلی در فعل مرکب را روی یک پیوستار قرار می‌دهد.

۳- پیکره تحقیق

۳-۱- اجزای فعلی در فعل مرکب

تعداد افعالی که در فعل مرکب به عنوان جزء فعلی یا فعل سبک قرار می‌گیرند بسیار متنوع‌اند. برخی مانند «کردن» و «زدن» از فراوانی بسیار بالایی برخوردارند و برخی چون «خواندن» و «رفتن» از فراوانی کمتری دارند. در هیچ یک از پژوهش‌هایی که نگارنده بررسی کرده است به طور دقیق به تمامی افعالی که در نقش جزء فعلی فعل مرکب ظاهر می‌شوند اشاره نشده است. یکی از کامل‌ترین فهرست‌هایی که از این افعال معرفی شده است، فهرست همایون‌فرخ (۱۳۳۹) به صورت زیر می‌باشد:

«گشتن (صیدگشتن)، کردن (درک‌کردن)، نمودن (گرم‌نمودن)، ساختن (سبب‌ساختن)، کشیدن (دست‌کشیدن)، بردن (رنج‌بردن)، بستن (دل‌بستن)، دادن

20. punctual

21. durative

22. activity

(نشان دادن)، داشتن (دست داشتن)، دیدن (داغ دیدن)، رسیدن (خسارت رسیدن)، ورزیدن (عشق ورزیدن)، زدن (رنگ زدن)، خوردن (تکان خوردن)، گرفتن (عبرت گرفتن)، جستن (پناه جستن)، یافتن (اختصاص یافتن)، تافتن (روی تافتن)، پروردن (بنده پروردن)، خواندن (آواز خواندن).

پرواضح است که برخی از اقلام فهرست بالا صرفاً در متون ادبی گذشته کاربرد دارند و در فارسی امروز چندان معمول نیستند مانند تافتن و جستن. برخی از افعال دیگر نیز که در گذشته معمول نبوده است امروزه چنین نقشی پیدا کرده است؛ مانند «رفتن» در «تحلیل رفتن» و «انتظار رفتن».

کریمی دوستان (۱۹۹۷) افعالی چون «کردن» و «زدن» را در چنین نقشی، چیزی بین فعل کمکی و واژگانی می داند و از نظر معنایی آن را رنگ باخته فعل واژگانی معرفی می کند. وی به برخی از تفاوت های فعل سبک و فعل واژگانی اشاره کرده است از جمله این که فعل واژگانی ساخت واژی می شود ولی فعل سبک ساخت واژی نمی گردد (خندیدن / خندانن، کردن / *کنادن).

در پژوهش حاضر بیش از یک میلیون و سیصد هزار واژه از روزنامه های کثیر الانتشار از موضوعات متفاوت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ورزشی به منظور تعیین افعال مرکب رایج در زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته است. براساس این بررسی رایج ترین افعال مرکب فارسی به صورت زیر می باشند:

الف- فعل سبک «کردن»

این فعل بیشترین امکان هم نشینی با اجزاء غیر فعلی و ساختن فعل مرکب جدید به شکل زیر به خود اختصاص داده است.

پیدا کردن	خیال کردن	عوض کردن	اظهار کردن
برطرف کردن	تأکید کردن	هدفمند کردن	توجه کردن
گفت و گو کردن	دستگیر کردن	اذعان کردن	عنوان کردن
کار کردن	حل کردن	تصریح کردن	اشاره کردن

اکتفا کردن عمل کردن تعریف کردن لغو کردن

برخی از اسامی دیگری که با فعل سبک «کردن» هم‌نشین شده و فعل مرکب به دست می‌دهد به صورت (۹) است.

(۹) اعلام، ابراز، صادر، خاطر نشان، رد، دنبال، رو، مشارکت، خبر اعتراف، اضافه، خودداری، برخورد، داغدار، واگذار، مقایسه، بررسی، ارزیابی، نتیجه‌گیری، ممنوع، نقل، اعتراض، صرف، شادی، جمع‌آوری، تقسیم، استفاده، حفظ، تشبیه، طراحی، نصب، محافظت، فراهم، تعهد، باز، تغییر، زیر و رو، قد علم، سرایت، فکر، اخم، تفسیر، فرض، ازدواج، فرافکنی، فراموش، دیر، عادت، یادآوری، تجربه، آنالیز، ارسال، عملی، ارزیابی، سعی، حل و فصل، آغاز، ذکر، پیش‌بینی، سپری، برنامه‌ریزی، ایجاد، ارائه، اجرا، بیان، تلاش

جزء فعلی «کردن» در مجموعه افعال فوق به صورتی است که تقریباً در همه افعال به صورت یکسان از معنا تهی شده است و بیشتر نقش حمل مشخصه‌های تصریفی را برعهده دارد. با وجود این با دقت در تحلیل این افعال می‌توان دریافت که این فعل سبک در همه افعال مرکب به گونه یکسان از معنا تهی نشده است و می‌توان پیوستاری متصور شد که گونه‌های متفاوت به لحاظ میزان سبک شدن بر آن تحلیل نمود.

در اسم‌سازی از برخی از این افعال جزء فعلی «کردن» را می‌توان حذف کرد ولی معنای جزء فعلی در آن حفظ می‌شود (۱۰). این نشان می‌دهد که جزء فعلی به اندازه‌ای سبک شده است که حذف آن هیچ خلل معنایی به وجود نیاورد.

(۱۰) لغو کردن سفر رئیس جمهور به نفع ما نبود.

ب- زدن

ضربه زدن	آتش زدن	مثال زدن	بوق زدن	یخ زدن
تلفن زدن	زنگ زدن	رنگ زدن	گل زدن	جازدن
لبخند زدن	گره زدن	دامن زدن	چرخ زدن	فریاد زدن
لطمه زدن	کتک زدن	آسیب زدن	زور زدن	سکه زدن

برخی از عناصری که با فعل سبک «زدن» هم‌نشین می‌شود عبارتند از:

(۱۱) رقم، دم، سینه، دامن، خط، حرف، بوق، سیلی، گل، دست، آتش، تشر، لبخند، جمع، زمین کلنگ، گره، قدم، تخمین، تهمت، جا، در، تست، روپایی، حدس، دور، آسیب، چشمک، دل، حلقه، چمن، بخیه، خسارت، داد، استارت، معبر، تک، خاک‌ریز، تلگرام، ورق، چرخ، تاول، زمین، ماسک، دستبرد، چانه، مهر، نقش، پل، کمین، کلید، محک، خنجر، پیوند، کف، گریز، پارو، پناستی، تکیه، پرسه، مشت، عصا، کارد، نهیب، شانه، چسب، جوانه، برق، چرت، بوسه، قفل، مسواک، پرچم، موج، پا، طعنه، آفت، چنگ، پک، چادر

فعل سبک «زدن» علاوه بر افعال مرکب در افعال مرکب ترکیبی و انضمامی در افعال اصطلاحی و ترکیبات اسمی بدون فعل مرکب متناظر به صورت (۱۲) و (۱۳) نیز ظاهر می‌شود.

۱۲) افعال اصطلاحی با فعل «زدن»

بی‌گداربه‌آب‌زدن، خود را به‌خواب‌زدن، سند را به‌نام‌زدن، پول‌به‌جیب‌زدن، به‌حساب‌زدن، دل‌به‌دریازدن، دست‌به‌شرارت‌زدن، به‌ریشه‌زدن، دست‌به‌انتشار زدن، یک تیر و دو نشان زدن، به‌سیم‌آخ‌زدن، تودهنی‌زدن، به‌دارزدن

۱۳) ترکیبات اسمی بدون فعل مرکب متناظر

سیاست‌زدگی، مصرف‌زدگی، وحشت‌زدگی، شگفت‌زده، بهت‌زده، رفاه‌زده، گوش‌زد، جنگ‌زده، عمل‌زده، شرق‌زده، غرب‌زدگی، روشنفکرزده، عوام‌زده، ذوق‌زده

پ -- خوردن

رقم‌خوردن	خط‌خوردن	چاک‌خوردن	فریب‌خوردن	شکست‌خوردن
تکان‌خوردن	رقم‌خوردن	پیوند‌خوردن	بازی‌خوردن	تأسف‌خوردن
ترک‌خوردن	گل‌خوردن			

برخی از اسامی که با فعل سبک «خوردن» هم‌نشین می‌شود عبارتند از:
 (۱۴) ضربه، قسم، تراش، زخم، کتک، لیز، اتو، زنگ، غذا، جا، به درد، گره،
 سوگند، لطمه، تأسف، به‌سر کسی، غصه، تیر، رشوه، روزه، زمین، کلید، یگه،
 خاک، حسرت، خط

ت - خواندن

فعل «خواندن» به دو صورت یکی در معنای خواندن و دیگری در معنای
 «دانستن» و «فرض کردن» به‌کار می‌رود؛ مانند مثال (۱۵).

(۱۵) اصول‌گراخواندن مشروع‌خواندن مبهم‌خواندن بی‌نظیرخواندن
 آنچه که در این پژوهش مورد نظر است، «خواندن» به‌عنوان فعل سبک و در معنای
 اصلی خود می‌باشد.

(۱۶) درس‌خواندن آوازخواندن دعاخواندن نمازخواندن
 سرودخواندن فاتحه‌خواندن تعزیه‌خواندن

یکی دیگر از اقلام فعل سبک در افعال مرکب فارسی، فعل «دادن» می‌باشد.

ث - دادن

هشداردادن	رخ‌دادن	اولویت‌دادن	قراردادن
انجام‌دادن	ادامه‌دادن	دست‌دادن	ارائه‌دادن
خبردادن	وعده‌دادن	نشان‌دان	احتمال‌دادن
عودت‌دادن	توضیح‌دادن	اطمینان‌دادن	اختصاص‌دادن
ثمردادن	اهمیت‌دادن	تشخیص‌دادن	تشکیل‌دادن
مشارکت‌دادن	رأی‌دادن	وعده‌دادن	پیشنهاددادن

برخی از عناصری که با فعل سبک «دادن» هم‌نشین می‌شود عبارتند از:
 (۱۷) قول، اطلاع، کاهش، جلوه، تشخیص، اجازه، مژده، شکست، پرورش، نفوذ،
 جواب، اهمیت، تکان، گزارش، پاسخ، ترجیح، افزایش، نتیجه، ادامه، شکل، حق،

اختصاص، پیوند، ثمر، گسترش، به باد، هدیه، تغییر، سوق، صورت، یاد، یاری، ترجیح، پایان، بها، رضایت، ارائه، فریب، استعفاء، فرصت، تغییر، پاس، پیشنهاد، دستور، مأموریت، شرح، اطمینان، یاد، درس، تذکر، پوشش، به‌خرج، مسابقه، اختار، سفارش، قبولی، بیان، دست، آموزش، فرصت، ازدست، ترجیح، ترتیب

چ - گرفتن

به‌کارگرفتن، صورت‌گرفتن، پیش‌گرفتن، تماس‌گرفتن، قرارگرفتن، تعهدگرفتن، بهره‌گرفتن، باران‌گرفتن، درنظرگرفتن، به‌خودگرفتن، یادگرفتن، شکل‌گرفتن، تصمیم‌گرفتن، جلوی‌کاری‌گرفتن، دربرگرفتن، به‌دست‌گرفتن، نتیجه‌گرفتن، نمونه‌گرفتن، انعام‌گرفتن

ج - گذاشتن

ناکام گذاشتن	مایه گذاشتن	وقت گذاشتن	بنیان گذاشتن
منت گذاشتن	عقیم گذاشتن	کنار گذاشتن	تأثیر گذاشتن
صحنه گذاشتن	قرار گذاشتن		

فعل اصطلاحی

۱۸) به‌نمایش گذاشتن	پشت‌سرگذاشتن	به‌اجرا گذاشتن	برجای گذاشتن
سرپوش گذاشتن	به‌حساب گذاشتن	به‌امانت گذاشتن	دراختیار گذاشتن
چشم‌برهم گذاشتن	به‌حراج گذاشتن	به‌ودیعہ گذاشتن	پایه‌عرصه گذاشتن
ازجان‌مایه گذاشتن	درمیان گذاشتن	کلاه‌سرکسی گذاشتن	بی‌جواب گذاشتن
زیرپا گذاشتن	بی‌جواب گذاشتن	روبه‌فزونی گذاشتن	به‌رأی گذاشتن

ترکیبات اسمی با فعل سبک «گذاشتن»

۱۹) سرمایه‌گذاری، ارزش‌گذاری، سیاست‌گذاری، خدمت‌گذاری، بیمه‌گذار، مین‌گذاری، قانون‌گذار، سپرده‌گذار، پایه‌گذار، بنیان‌گذار، هدف‌گذاری،

قیمت‌گذاری، لوله‌گذاری، خبرگذاری، علامت‌گذاری، تعرفه‌گذاری،
شماره‌گذاری

ح- داشتن

وجودداشتن	اظهارداشتن	تلقی‌داشتن	هدف‌داشتن
نقش‌داشتن	قبول‌داشتن	ابرازداشتن	نظارت‌داشتن
درخواست‌داشتن	ترس‌داشتن	دست‌داشتن	مشارکت‌داشتن

برخی از عناصری که با فعل سبک داشتن هم‌نشین می‌شوند عبارتند از:
(۲۰) اختیار، حق، قصد، مصرف، سود، گله، بیان، حضور، عقیده، اختیار، علت،
تأخیر، توجه، همکاری، برحذر، ارتباط، برعهده، اعلام، جذابیت

خ- گردیدن

ظاهر‌گردیدن	سرکوب‌گردیدن	منتهی‌گردیدن	مهار‌گردیدن
ملموس‌گردیدن	طراحی‌گردیدن	آزمایش‌گردیدن	مطرح‌گردیدن
روگردیدن	ذکر‌گردیدن	پرداخت‌گردیدن	ارجاع‌گردیدن

این فعل بیشتر در صورت نوشتاری و به جای «شدن» به کار می‌رود. برخی از عناصری
که با این فعل هم‌نشین می‌شوند عبارتند از:

(۲۱) روبرو، بهره‌مند، حبس، فراموش، رعایت، واقع، استفاده، تقویت، پرداخت،
مواجهه، سبب، موجب، قید، ایجاد، محو، باعث

تعداد افعال سبک به کاررفته در افعال مرکب فارسی بسیار بیشتر از مواردی است که
در بالا به آن‌ها اشاره شده است. در این قسمت به ذکر چند مورد دیگر بسنده خواهد
شد.

د- رفتن

تحلیل‌رفتن	کناررفتن	جلورفتن	پیش‌رفتن
------------	----------	---------	----------

از یاد رفتن	عقب رفتن	انتظار رفتن	نشانه رفتن
از دست رفتن	هدر رفتن	از بین رفتن	فرورفتن

برخی از عناصری که با این فعل هم‌نشین می‌گردد. عبارتند از:

(۲۲) بر باد، از دنیا، به شمار، به سرقت

جلو، تحلیل، طفره، به کار، از هوش

ذ - یافتن

افزایش یافتن	تداوم یافتن	گسترش یافتن	در یافتن
دست یافتن	کاهش یافتن	توسعه یافتن	تفاوت یافتن
تنوع یافتن	رشد یافتن	بسط یافتن	تخفیف یافتن
ترمیم یافتن	حضور یافتن	ارتقاء یافتن	تغییر یافتن
اختصاص یافتن			

ر - کشیدن

به خون کشیدن	بیرون کشیدن	به درازا کشیدن	به مقابله کشیدن
کنار کشیدن	سیگار کشیدن	به چالش کشیدن	طول کشیدن
نفس کشیدن	خجالت کشیدن	خط کشیدن	

ز - آمدن

به میدان آمدن	گردهم آمدن	بر آمدن	به تعلیق در آمدن	به دست آمدن
وارد آمدن	بالا آمدن	پدید آمدن	به دست آمدن	به صحنه آمدن

س - ورزیدن

اهتمام ورزیدن	مخالفت ورزیدن	تأکید ورزیدن	اصرار ورزیدن
امتناع ورزیدن	غفلت ورزیدن	اجتناب ورزیدن	

ترکیبات فعل سبک بدون فعل متناظر

سیاست‌ورزی، غرض‌ورزیدن، کینه‌ورزی، اندیشه‌ورزی، عشق‌ورزی

۳-۲- بررسی مراتب سبک شدن افعال سبک

افعال سبک در افعال مرکب فارسی را به‌لحاظ سبک شدن، می‌توان به دو صورت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. یکی برحسب رابطه اجزاء با هم بر محور هم‌نشینی، به این صورت که مشخص شود که هر فعل سبک با توجه به نوع هم‌نشینی تا چه اندازه سبک می‌شود؛ و دیگر اینکه مشخص شود افعال سبک نسبت به هم تا چه اندازه کاهش معنایی می‌یابند و از معنا تهی می‌شوند.

۳-۲-۱- سبک شدن فعل سبک برحسب هم‌نشینی با جزء غیر فعلی

در این قسمت به تحلیل میزان سبک شدن هر فعل سبک با توجه به جزء غیر فعلی هم‌نشینی می‌پردازیم.

۱- افعال مرکب با فعل سبک «زدن»

بررسی دقیق این افعال نشان می‌دهد که فعل مرکب با عنصر فعلی «زدن» به یک نسبت از معنی تهی نشده است و می‌توان آن‌ها را بر یک پیوستار قرار داد. عنصر فعلی در برخی از این افعال مانند (۲۳) تقریباً به صورت واژگانی به کار می‌روند.

(۲۳) کتک‌زدن، سیلی‌زدن، کلنگ‌زدن

برخی از این افعال که نمونه‌هایی از آن در (۲۴) ارائه شده است تا حدودی از معنا تهی شده است ولی معنای «زدن» در آن به وضوح وجود دارد.

(۲۴) بوق‌زدن، لبخندزدن، سکه‌زدن، ورق‌زدن، کلید، پاروزدن

در گروه دیگر آن دسته از افعالی قرار دارند که به‌لحاظ معنایی از گروه دوم بیشتر تهی شده است:

(۲۵) حرف‌زدن، تهمت‌زدن، چانه‌زدن، تاول‌زدن، چرت‌زدن، مثال‌زدن، طعنه‌زدن.

گروه سوم آن دسته از افعالی است که نسبت به گروه قبل کمی بیشتر از معنا تهی شده است ولی نسبت به گروه بعد از خود کمتر تهی شده است. به همین دلیل تفاوت آن با گروه بعد این است که نمی‌توان فعل سبک موجود در این افعال را با فعل سبک دیگری جایگزین کرد؛ مانند (۲۶)

(۲۶) حرف‌زدن / *کردن، چانه‌زدن / *کردن، چرت‌زدن / *کردن
گروه چهارم آن دسته از افعال مرکبی است که عنصر فعلی «زدن» در آن تقریباً از معنا تهی شده‌است؛ مانند (۲۷)

(۲۷) کمین‌زدن، تلفن‌زدن، اتوزدن

به همین دلیل می‌توان عنصر فعلی «کردن» را با آن جایگزین کرد.

(۲۸) کمین‌زدن / کردن، تلفن‌زدن / کردن، اتوکردن / زد

در اینجا لازم است به سه نکته اشاره شود یکی اینکه اگرچه می‌توان فعل سبک «زدن» را در افعال مرکب بالا به تقسیمات ریزتر تقسیم کرد و مثلاً بین «زدن» در «یخ‌زدن» و «تلفن‌زدن» تمایز قائل شد و یا در گروه قبل بین فعل سبک در «چرت‌زدن» و «حرف‌زدن» تمایز قائل شد ولی در این پژوهش از ریزشدن این تقسیمات خودداری و صرفاً به منظور نشان‌دادن فازی بودن (بریک پیوستاربودن) فعل سبک به همین مقدار بسنده می‌شود. دوم اینکه جایگزین کردن «کردن» با «زدن» یک‌طرفه است، یعنی نمی‌توان فعل «کردن» را که تقریباً از معنا تهی شده (رنگ‌باخته) است با فعل سبک «زدن» در افعالی چون «پست‌کردن» «مست‌کردن» جایگزین کرد، چرا که در چنین افعالی هنوز رگه‌ای از «کنندگی» وجود دارد. نکته سوم اینکه در افعالی مانند «مشت‌کردن» و «مشت‌زدن» دو فعل سبک «زدن» و «کردن» جایگزین یکدیگر نیستند، چرا که هیچ‌گونه قرابت معنایی بایکدیگر ندارند، در این دو فعل مرکب، فعل سبک به اندازه کافی سبک نشده‌اند که بتوان، آن‌ها را جایگزین یکدیگر نمود. براساس تحلیل فوق پیوستاری که از فعل سبک «زدن» در افعال مرکب روی محور افقی (ایکس‌ها) به‌دست می‌آید، به‌شکل زیر می‌باشد.

(۲۹) کتک‌زدن پاروزدن حرف‌زدن تلفن‌زدن



۲- افعال مرکب با فعل سبک «خواندن»

این فعل سبک نیز به‌نظر می‌رسد در هم‌نشینی‌های متفاوت به نسبت متفاوت تهی می‌شود. «خواندن» در فعلی چون «کتاب خواندن» با مشتقاتی نظیر کتاب‌خوان، کاملاً

محتوای معنایی خود را حفظ کرده‌است. در فعل «دعا خواندن» با توجه به اینکه هم به صورت روخوانی و هم غیر روخوانی است در حد بسیار کمی سبک شده‌است. در فعلی چون «آواز خواندن» و «تعزیه خواندن»، فعل «خواندن» به نسبت بیشتری سبک شده‌است. در فعل «نماز خواندن» این فعل قدری بیشتر سبک شده‌است. چرا که اگرچه «نماز خواندن» با «خواندن» بی ارتباط نیست ولی «نماز خواندن» عملاً به جا آوردن یک سری اعمال است که عمدتاً با خواندن از حفظ صورت می‌پذیرد. خواندن در فعلی مانند «درس خواندن» به دو صوت به کار می‌رود. یکی به معنای «تحصیل کردن» و دیگری به معنای کاری که معمولاً در زمان حال بر روی کتاب‌های درسی صورت می‌پذیرد، مانند «علی در اتاق درس می‌خواند». فعل «خواندن» در معنی «تحصیل کردن» نسبتاً از معنا تهی شده‌است.

فعل سبک «خواندن» اگرچه به اندازه بقیه سبک نشده‌است و به همین خاطر دارای ریزطبقه‌های بیشتری مانند «زدن» نمی‌باشد ولی می‌توان آن را نیز بر یک پیوستار با درجه افتراق محدودتری به صورت (۳۰) تصور کرد.

(۳۰) کتاب خواندن دعاخواندن نماز خواندن درس خواندن (تحصیل کردن)

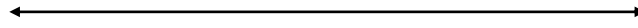


۳- افعال مرکب با فعل سبک «دادن»

این فعل نیز در هم‌نشینی‌های متفاوت به نسبت‌های متفاوت از معنا تهی می‌شوند. در برخی از افعال چون «ثمر دادن»، «وعده دادن» و «هشدار دادن» فعل «دادن» تقریباً در معنای واژگانی خود به کار رفته است. در برخی چون «توسعه دادن» و «پیشنهاد دادن» در درجه کمتری از معنای واژگانی قرار دارند. برخی دیگر چون «کاهش دادن»، «تشخیص دادن» و «افزایش دادن» فعل سبک «دادن» در درجه کمتری از معنای واژگانی خود قرار دارد. در برخی دیگر چون «شکل دادن»، «انجام دادن» و «نفوذ دادن» فعل سبک به نسبت بیشتری از معنا تهی شده‌اند. فعل سبک در این افعال را می‌توان با فعل سبک دیگری جایگزین کرد. البته این افعال تغییر ظرفیت می‌یابند.

(۳۱) ارائه دادن / کردن، شکل دادن / یافتن، انجام دادن / گرفتن، نفوذ دادن / کردن

۳۲) شمر دادن پیشنهاد دادن کاهش دادن ارائه دادن



۴- افعال مرکب با فعل سبک «کردن»

اگرچه فعل سبک «کردن» به لحاظ معنایی از دیگران بیشتر از معنا تهی شده است و می توان آن را سبک ترین فعل فارسی به حساب آورد، ولی با این وجود می توان در هم نشینی های متفاوت برخی را سبک تر از دیگری دانست. فعل هایی چون تعهد کردن، ایجاد کردن، فعل سبک «کردن» نسبت به افعالی چون «سعی کردن» و «آغاز کردن» دارای محتوای معنایی بیشتر می باشد. برخی از افعال به گونه ای است که وجود و عدم وجود فعل سبک هیچ تأثیری در معنا ندارد، مانند «پرداخت کردن» که می توان به صورت «پرداخت» یا «پرداخت کرد» به کاربرد. ممکن است این گونه تصور شود که این افعال به دلیل اینکه به صورت مقولۀ تهی هم فعل و هم اسم می باشند، حالت اسم دارند و هنگامی که با «کردن» به کار می روند دارای معنای کم و بیش متفاوت می باشند و در این موارد فعل «کردن» حذف نشده است. می توان ادعا کرد که این وضعیت در خصوص افعالی چون «گذشت» و «گذشت کردن» قابل توجیه است که این دو در جملاتی مانند زیر کاملاً متفاوت می باشد ولی در خصوص «پرداخت کردن» قابل توجیه نیست (۳۵).

۳۳) الف - او از حق مسلّم خود گذشت.

ب - او از حق مسلّم خود گذشت کرد.

برخی دیگر از افعالی نظیر گذشت کردن عبارتند از: خرید کردن، رسیدن، دریافت کردن، نشست کردن

این نمونه افعال خاص فعل «کردن» نیز نمی باشد بلکه در خصوص فعل سبک «زدن» نیز همین وضعیت وجود دارد مانند «گشت زدن» و «دیدزدن» این افعال قبل از اینکه وارد ترکیب شوند به صورت فرایند زیر به اسم تبدیل شده و سپس وارد ترکیب شده اند. داده های (۳۴) نمونه وارد شدن واژه «خرید» را در ترکیب نشان می دهد.

(۳۴)

الف - [خرید] فعل ← [خرید] اسم


ب - [خرید] اسم + [کردن] فعل سبک ← [خرید کردن] فعل مرکب

(۳۵) الف - دولت معوقه‌های فرهنگیان را پرداخت.

ب - دولت معوقه‌های فرهنگیان را پرداخت کرد.

دو جمله (۳۵ الف) و (۳۵ ب) دارای معنایی کاملاً برابر می‌باشد. این نشان می‌دهد که این فعل از طریق فرایند فوق به دست نیامده است. فعل در دو جمله فوق به صورت «پرداخت» از مصدر «پرداختن» و «پرداخت کرد» از مصدر «پرداخت کردن» ساخته شده است؛ بنابراین می‌توان فعل سبک «کردن» را روی یک پیوستار به صورت زیر معرفی کرد.

(۳۶) کارکردن تعهدکردن آغازکردن پرداخت کردن



پیوستارهای بالا باید براساس محور عمودی (جانشینی) نشان داده می‌شد که به دلیل صرفه‌جویی به صورت افقی نشان داده شده است.

۳-۲- مراتب سبک شدن یک فعل خاص با توجه به هم‌نشین‌ها

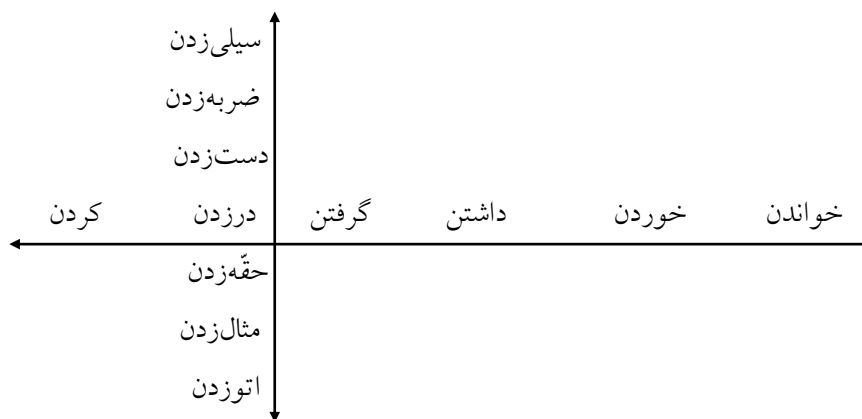
فعل سبک در افعال مرکب فارسی نسبت به هم نیز به یک نسبت از معنای واژگانی تهی نمی‌شوند. برخی از این افعال واژگانی تر و برخی نیز دستوری‌ترند. فعل «خواندن» در بین افعال فوق کمتر از بقیه از معنا تهی شده است. چرا که در مجموعه افعال مرکبی که فعل سبک آنها فعل «خواندن» است کمتر نقشی شده است. افعالی چون «خوردن» و «گذاشتن» در مراحل بعدی قرار می‌گیرند، چرا که در افعالی چون «کتک خوردن» و «غصه خوردن» تا حدودی از معنا تهی شده است. افعالی چون «داشتن» و «دادن» در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. افعالی چون «گرفتن» در مرحله بعد از این قرار می‌گیرد. فعلی چون «زدن» (زنگ زدن، تلفن زدن) به نسبت بیش از بقیه سبک شده است. سبک‌ترین فعل در افعال سبک فارسی فعل «کردن» می‌باشد که تقریباً به‌طور کامل از

معنا تهی شده است و در حالتی که عنصر دیگری بتواند نشانه‌های تصریفی را بر خود حمل کند (مانند پرداختن و پرداخت کردن)، تهی بودن کامل این فعل آشکار می‌شود. سبک شدن جزء فعلی در افعال مرکب فارسی را بر این اساس می‌توان به صورت پیوستار زیر نشان داد.

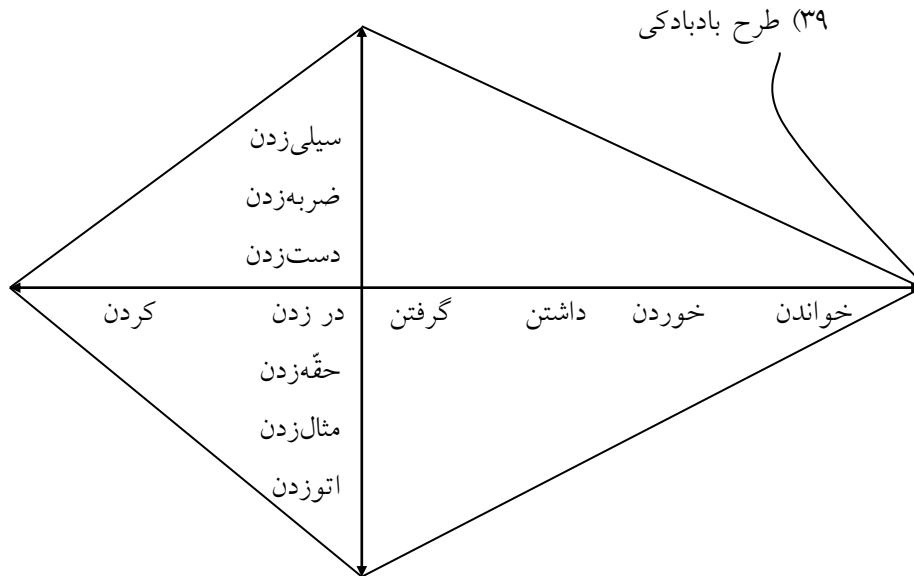
← (۳۷) خواندن خوردن/ گذاشتن داشتن/ دادن گرفتن زدن کردن →

میزان سبک شدن افعال سبک فارسی را می‌توان به لحاظ جانشینی عنصر غیر فعلی در هر فعل مرکب، روی محور عمودی (محور Y یا محور جانشینی) و میزان سبک شدن افعال سبک در افعال مرکب در مقایسه با هم روی محور هم‌نشینی (محور X) به صورت زیر نشان داد.

(۳۸)



با توجه به تحلیلی که ارائه شد مشخص شد که هر یک از افعال سبک در هم‌نشینی با عناصر به یک نسبت سبک نمی‌شود. به نظر می‌رسد که تقریباً هر چه به دو انتهای محور افقی نزدیک می‌شود دگرگونی فعل سبک کمتر می‌شود. فعل‌های «خواندن» در انتهای سمت راست و «کردن» در انتهای سمت چپ کمترین تنوع را دارا می‌باشند. بر این اساس می‌توان نمودار فوق را به صورت (۳۹) بازنویسی کرد. نگارنده به دلیل شباهت این طرح با بادبادک، این طرح را اصطلاحاً طرح «بادبادکی» نام نهاده است.



آخرین بحثی که لازم است درخصوص سبک شدن فعل سبک صورت گیرد، نحوه جایگزینی افعال سبک در فعل مرکب است. برخی از افعال سبک خود دارای جفت معادل می باشند که این افعال صرف نظر از هرگونه محدودیت جایگزینی جایگزین یکدیگر می گردند. از جفت‌های معادل می توان به «شدن» / «گشتن» / «کردن» و «نمودن» اشاره کرد. این نمونه از جایگزینی هیچ گونه رابطه‌ای با میزان سبک شدن فعل ندارد. نوع دوم از جایگزینی افعال سبک در افعال مرکب، جایگزینی فعل سبک «دادن» و «یافتن» می باشد. در این جایگزینی ظرفیت دو فعل سبک متفاوت می باشد. نوع سوم از افعال جایگزین، حالتی است که دو فعل سبک در حالت واژگانی قابل جایگزین نمی باشند ولی در حالتی که به عنوان فعل سبک به کار می روند، قابل جایگزین می باشند؛ مانند فعل «زدن» و «کردن» که در حالت واژگانی دارای کاربرد متفاوت می باشند ولی در حالت فعل سبک کاربرد یکسان دارند (اتوکردن/زدن)، تلفن کردن/زدن، این نمونه از افعال جایگزین به لحاظ ظرفیت یکسان می باشند. آنچه که در بحث فعل سبک قابل بررسی می باشد بیشتر این نوع از جایگزینی می باشد. اگرچه بررسی دقیق آنها پژوهش دیگری را می طلبد ولی با توجه به موضوع این پژوهش می توان اذعان کرد که کاربرد

این جایگزینی با بسامد کاربرد و همچنین سبک شدن فعل ارتباط مستقیم دارد. به این معنا که هرچه فعل سبک‌تر می‌شود و بسامد آن نیز افزایش می‌یابد، امکان این جایگزینی نیز بیشتر می‌شود.

۴- نتیجه‌گیری

این بررسی نشان می‌دهد که فعل سبک فارسی در افعال مرکب، به‌لحاظ معنایی وضعیت ناپایداری در محورهای هم‌نشینی و جانشینی دارند. در محور جانشینی بسته به عنصر غیر فعلی به نسبت‌های متفاوتی از معنا تهی می‌شود. این خود نشان می‌دهد که هر گونه تحلیلی از افعال سبک فارسی بدون لحاظ کردن همه ویژگی‌های عنصر غیر فعلی غیر قابل دفاع می‌باشد. این بررسی همچنین نشان می‌دهد که افعال سبک فارسی به یک نسبت از معنا تهی نمی‌شوند. برخی حالتی واژگانی، برخی نیمه‌واژگانی، برخی نیمه‌نقشی، برخی نقشی دارند. این بررسی نشان می‌دهد که فعل‌های مرکب فارسی با انضمام آغاز و به تدریج ترکیبی می‌شوند. بر این اساس پدیده ترکیب و به تبع آن فعل سبک در افعال مرکب یک فرایند تدریجی است که از انضمام آغاز و به فعل کاملاً نقشی که صرفاً محمل عناصر تصریفی زمان و شخص می‌باشند، ختم می‌شوند. این پژوهش نشان می‌دهد که جایگزینی فعل سبک با فعل هم ظرفیت، با میزان سبک شدن فعل رابطه مستقیم دارد، به این صورت که هرچه فعل سبک‌تر باشد امکان جایگزینی بیشتر است. به این صورت که فعل سبک «زدن» در شرایطی که از معنا تقریباً تهی شده باشد، با فعل «کردن» قابل جایگزینی می‌باشد.

در این پژوهش طرحی موسوم به طرح بادبادکی ارائه شد که میزان سبک شدن فعل سبک فارسی در دو محور افقی (هم‌نشینی) و عمودی (جانشینی عنصر غیر فعلی)، به تصویر می‌کشد.

منابع

- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۸۸). *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات فاطمی.
ارژنگ، غلامرضا (۱۳۸۱). *دستور زبان فارسی امروز*. تهران: نشر قطره.

- ارکان، فایزه (۱۳۸۵). فرایند انضمام اسم: رویکرد نحوی یا صرفی (بر مبنای نمونه‌ای از داده‌های زبان فارسی). *زبان و زبان‌شناسی*، شماره ۴، ۹۵-۱۱۰.
- آهنگر، عباسعلی (۱۳۸۷). تحلیل پوسته‌ای گروه فعلی در زبان فارسی بر پایه برنامه کمینه‌گرا. *زبان و زبان‌شناسی*، شماره ۷، ۱-۲۶.
- حجت‌الله طالقانی، آزیتا (۱۳۷۹). فعل مرکب: دو دیدگاه. در: *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی*، جلد اول، به کوشش سید علی میرعمادی (صص ۱-۲۷). تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی*. تهران: کتاب فروشی تهران.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۶). فعل مرکب در زبان فارسی. *زبان‌شناسی*، شماره ۲۳ و ۲۴، ۱-۴۶.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۷۹). *دستور ساده زبان فارسی*. تهران: انتشارات اساطیر.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۶). انضمام در زبان فارسی. *دستور، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان*، شماره ۳، ۳-۳۹.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)*. تهران: انتشارات فاطمی.
- منصوری، مهرزاد (۱۳۸۴ الف). *گروه پوسته‌ای در زبان فارسی*. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- (۱۳۸۴ ب). فعل سببی در زبان فارسی بر پایه گروه پوسته‌ای. *زبان و زبان‌شناسی*، شماره ۱، ۹۱-۱۱۴.
- (۱۳۸۶). انضمام در زبان فارسی. *زبان و زبان‌شناسی*، شماره ۶، ۱۲۵-۱۴۰.
- میرعمادی، سید علی (۱۳۸۶). نحوه ترکیب افعال مرکب فارسی با دو پایه واژگانی بر مبنای دیدگاه کمینه‌گرا. *زبان و زبان‌شناسی*، شماره ۵، ۱۳۷-۱۴۸.
- همایون فرخ، عبدالرحیم (۱۳۳۹). *دستور جامع زبان فارسی*. تهران: انتشارات مطبوعات علمی اکبر اعلمی.

Butt, Miriam and W. Geuder, (2004). Light Verbs in Urdu and Grammaticalization. In: R. Eckardt, K. von Heusinger and C. Schwarze (Eds.), *Words in Time: Diachronic Semantics from Different Points of View* (pp. 295-349). Berlin: Mouton de Gruyter.

Chomsky, N. (1995). *The Minimalist Program*. Cambridge: The MIT Press.

- (1998). *Minimalist Inquiry*, Occasional Papers in Linguistics 15, MIT.
- Family, N. (2006). *Explorations of Semantic Space: The Case of Light Verb Constructions in Persian*. PhD Dissertation, Paris.
- Francis, E. (2003). *Form-Function in Congruity and the Architecture of Grammar*. Stadford University Press.
- Grimshaw, J., A. Mester, (1988). Light Verbs and Theta-marking. *Linguistic Inquiry*, 19, 205-232.
- Hale, k . and J. keyser (1993). On Argument Structure and the Lexical Expression of Syntactic Relations. In: *The View from Building 20* (pp. 53-108). Cambridge, Mass: MIT Press.
- Karimi, S. (1994). From Deep Structure to Logical Form and the Minimalist Program. *Iranian Journal of Linguistics*, 11(2).
- Karimi- Doostan, GH. (1997). *Light Verb Construction in Persian*. PHD Dissertation, Essex University: England.
- (2001). N + V Complex Predicates in Persian. In: N. Dehe and A. Wanner (Eds.), *Structural Aspect of Semantically Complex Verbs* (pp. 277- 292). Frankfort: Peterlang.
- (2003). Argument Structure of Light Verbs. In: *Argument Structure Conference Dehli*, (pp. 5-8).
- (2005). Light Verbs and Structural Case. *Lingua*, 115, 1737-1756.
- Larson, R. (1988). On the Double Object Construction. *Linguistic Inquiry*, 19, 335-391.
- Megredoomian, K. (2000). Projection of Direct Objects. In: *Proceedings of WECOL 1999*.
- (2001). Event Structure and Complex Predicates in Persian. *Canadian Journal of Linguistics*, 46(1/2), 97-125.
- Mohammad, J. and S. Karimi (1992). Light Verbs Are Taking Over: Complex Verbs in Persian. In: *Proceedings of the Western Conference On linguistics (WECOL)*, 5, 195-212.
- Pantcheva, M. (2008). *The Nominal Element in Complex Predicates*. CASTL: University of Tromsø.
- (2009). First Phase Syntax of Persian Complex Predicates: Argument Structure and Telicity. *GSAL*, 2(1), 53-72.
- Radford, A. (1997a). *Syntactic Approach and the Structure of English*. Cambridge: Cambridge University Press.
- (2004). *Minimalist Syntax: Exploring the Structure of English*. Cambridge: Cambridge University Press.

Vahedi-langrudi, M. (1996). *The Syntax, Semantics, and Argument Structure of Complex Predicates in Modern Farsi*. Ph.D Dissertation, University of Ottawa.